

شاهکار یعنی آمیزه عشق، ابرام، حق شناسی، جدیت، و خلوص نیت

معرفی و تقد کتاب
«مُهر و حکاکی در ایران»
اثر محمد جواد جدی
از منشورات فرهنگستان هنر (پاییز ۱۳۸۷)

احسان الله شکراللهی طالقانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
به نام حضرت دوست

آن که مُهرِ مَهرِ تو بر صفحه جان کرده نقش
مخزن دل را چو کان از زر توانگر یافته^۱

و هم از این دست، محمد جواد جدی با جدیتی مثال زدنی مُهرِ مَهر به مواریت فرهنگی و هنری میهن را بر صفحه جان نقش می کند، و از سرِ حق شناسی و پاسداشت تلاش پیشینیان، و نیز عیار سنجی و تطبیق آثار دیگران با ایرانیان، رد پای پویندگان این وادی را در لابلای صفحات تاریخ پی می جوید، و «حکاکی و مُهر در ایران» را با کنکاشی عاشقانه ریشه یابی می کند، و به دستمزد، مخزن دل را از زر ناب حقیقت مالا مال می یابد؛ و اینک ره آورد او از سفری آفاقی و انفسی پیش روی ماست، تا هم به طیب خاطر شاهد رعنائ عاشقان را به نظاره بنشینیم، و هم با اطمینان قلب در بوتۀ آزمون، سکه قلب^۲ را از زر عیار بازشناسیم. نمونه این کتاب پیشتر به مناسبت همایش «گنجینه های از یاد رفته» از سوی فرهنگستان هنر رونمایی

شده بود، و هم از آن روز آنان که از این پژوهشِ دراز‌آهنگ با خبر شدند، و هم کسانی که سال‌هاست از رهگذر آشنایی با سخت‌کوشی‌ها، و پی‌جویی مقالات مؤلف در همایش‌ها و جشنواره‌ها چشم‌انتظار این دردانهٔ دانایی و هنر بودند، همگی لحظه‌می‌شمردند تا به داشتن نسخه‌ای از این گنج شایگان بر خویش بیالند؛ تا اینکه نیمهٔ آذر ماه سال جاری به مناسبت «گردهمایی هنر مکتب شیراز»، بارانِ همتِ یارانِ فرهنگستان آبی بر آذرِ دل‌ها افشاند، و پس از تقصیرها و قصورها، و درنگ‌ها و انگ‌هایی که طی سال‌های رفته از سوی برخی ناشرین به ویژه انتشارات سروش سر زد، فرهنگستان هنر با نشرِ درخشانِ این اثر آن را بر تارکِ منشورات خویش نشاناند، و پیش و بیش از آن که این اثر را به زیور طبع بیاراید، طبع و نشر را به وجود آن آراست.

این اثر که با کاغذ گلاسه و چاپ چهار رنگ و قطع رحلی و شمارگان ۲۰۰۰ روانهٔ بازار کتاب گردیده، و بیش از چهارصد صفحه را شامل می‌شود، قیمت پشت جلد ندارد، و الحاق که نمی‌توان قیمتی بر آن نهاد، اما در همان مراحل نخستین که به بهای ۳۵۰۰۰۰ ریال عرضه شده، به صورت چشمگیری مورد استقبال دوستدارانِ هنر و اهالی فرهنگ قرار گرفته، و به جرأت می‌توان آن را از بهترین آثار پژوهشی منتشر شده از سوی فرهنگستان هنر محسوب داشت. گویا در نشر این اثر «پژوهشکدهٔ هنر» و «دانشگاه هنر اسلامی تبریز» نیز نقش داشتند که نقشِ مُهر آنها بر پشت جلد کتاب «مُهر و حکاک» خود نمایی و عرض اندام می‌کند، و این البته رعایتِ کمالِ تناسب است در خط و ربط؛ چه از طرفی صبغهٔ پژوهشی این اثر بسیار پررنگ است، و از سوی دیگر مؤلف ریشه در اصل و نسلِ هنرمندانِ خطهٔ مشک‌بیز و خاکِ زرخیز تبریز دارد.

او «علاقه به شناخت و بررسی مُهرها و نشان‌ها این گوهرهای تابناکِ تارکِ تاریخ و هنر را از دوران طفولیت با خود دارد، و آن را سرشته با خون خویش می‌داند؛ چرا که این توفیق را داشته به حکم فرزندی و هم به افتخار شاگردی در آستانِ مردی از سلالهٔ هنرمندانِ وارستهٔ ایران‌زمین که عشق را عجین آثار خود می‌کرد، شاهد ابداع آثار جاودانه شود، که این زیباترین و باشکوه‌ترین خاطرهٔ دوران کودکی و جوانی‌اش بود؛ استادی که اثرش را خالصانه و با شوقی عارفانه می‌پروراند، و عاشقانه به انجام می‌رساند، و بدین سان وی در محضرش ارج نهادن به این نگین‌های گرانقدر را آموخت و بدان‌ها دل بست»^۲. او در پیشگفتارِ پُرعیبارِ این اثر حق‌شناسانه می‌نویسد:

«دستان پدر، به فرمانِ ذکاوتی خدادادی، فشنگ‌های خانمان‌سوزِ جنگ جهانی دوم و اشغال تبریز را در بازیِ کودکانهٔ خویش به انگشتی‌های بی‌مانندی تبدیل کرد، و گلوله‌های مس‌وار را بهایی برتر از زر بخشید، و ابزارِ نابودیِ بشر را به زینتِ دستِ انسان بدل ساخت، و طرحی نو در انداخت، تا بنیان‌گذارِ مکتبی جدید، مدرن، و در عین حال اصیل در این هنر به شمار آید. و اگر چه پیش‌تر، بهایِ انگشتی از نگین بود، به راستی او با هنرِ خویش، نگین را قیمت از انگشتی داد، و چه زیبا، طوق آذینی که او بر نگین‌های حک شده با آیات و مُهرها آفرید، به شوقِ فزاینده، همچون چشمی بر جبین انگشت، آویزهٔ دستِ عاشقان شد».

بدین سان کتابِ موضوعِ سخن را می‌توان به نوعی سپاسنامهٔ فرزندی خلف نسبت به پدر و استادی ماهر،

و به تعبیر تاریخی «پدران و استادانی هنرمند» به شمار آورد که خود را وامدار میراث گرانسنگ ایشان می‌داند، و علی‌رغم طی طریقی طولانی و طاقت سوز از سر تواضع می‌نویسد: «و من اکنون در آغاز راه، تحلیل آثار بزرگان و تجلیل از آنان را بر خود فرض می‌دانم».

چنین بود که از دیر باز مطالب و تصاویری که به مهر و سیر تاریخی هنر اصیل حکاکی مربوط می‌شد را گرد آورد، و برخی از تصاویر را با دقت بازسازی، و با تأمل بررسی نمود، و حاصل اندوخته‌ها و آموخته‌هایش را در این کتاب به ارمغان نهاد.

سخن در باره مهر که یکی از کهن‌ترین دستاوردهای بشر به شمار است، ضمن نیاز به بینش هنری، محتاج آشنایی با تاریخ و سیر تحول آن در ادوار گوناگون، و مطالعه پیرامون خطوط و سبک‌های مختلف آن، و شیوه‌های گوناگون نگارگری، و تسلط بر اوزان شعری برای خوانش سجع مهر، و شناخت انواع سنگ‌های قیمتی است، تا پژوهشگر راستین با این کوله‌بار مکفی بتواند از پس فتح قلعه شناخت برآید، و در بوته بررسی سره را از ناسره بازشناسد؛ و انصاف را که جدی با توشه‌ای در خور از این بایسته‌ها، توانسته از عهده این پژوهش گرانسنگ و درازآهنگ برآید، و اثرش را بر قله‌ای رفیع بنشانند.

مؤلف سخت کوش و دقیق‌النظر این اثر معتقد است مهرها را بر اساس تقسیم‌بندی‌های گوناگون می‌توان به بررسی نشست: دوره تاریخ، مکان جغرافیایی، جنس، شکل، نقش، موضوع، سبک‌های حکاکی، و در نهایت جایگاه اجتماعی دارنده مهر. حال با چنین تنوعی در امکان چینی اطلاعات، به راستی انتخاب عرصه‌ای برای عرضه آنچه طی بیست سال فراهم آمده کار آسانی نیست، و به نظر می‌رسد که بهترین مسیر راهی میانبر و ترکیبی باشد. او مطالب این اثر را طی ده فصل به شرح ذیل بر خواننده عرضه داشته است:

۱. تاریخ مهر و حکاکی؛
۲. نگاهی به تاریخ خط در ایران؛
۳. از مهر تا انگشتری
۴. خط کوفی و خطوط شش‌گانه و مهرهای دوران اسلامی؛
۵. مهر و سیر تکامل خط و خوشنویسی در عصر ایلخانی، تیموری، و صفوی؛
۶. معرفی حکاکان بزرگ؛
۷. مهر در میان سلاطین عثمانی؛
۸. ابزار و نحوه کار حکاکان پیشین؛
۹. تاریخ هنر سجع سازی مهر در فرهنگ و ادب فارسی؛
۱۰. معانی مختلف واژه مهر در فرهنگ و ادب فارسی؛

در فصل نخست با نقش مهرهای نخستین آشنا می‌شویم، و تصاویر و توضیحاتی در مورد آثار مهر بر روی گل و انواع مهر و تعویذ و دگمه‌های هسته خرمایی یا سگک و انواع مهرهای مشبک فلزی و استوانه‌ای می‌بینیم و می‌خوانیم؛ سپس مهر و مهره به عنوان یکی از نخستین شکل‌های شناسنامه یا برگ

هویت معرفی می‌شود، و از «دَج» و «داغ» سخن به میان می‌آید، و آنگاه نمونه‌هایی از «داغِ مُهر» یا «رقمِ مُهر» ارائه می‌شود. آخرین بحث این فصل به معرفی «مُهرِ جُل» یا سرگین غلطان اختصاص دارد که از مصر باستان تا شرق ایران مورد استفاده بوده، و نمادی از خورشید، و در عین حال خالق هستی، و نیز نمادی از رستاخیز قلمداد می‌شد.

فصل دوم نگاهی دارد به تاریخ خط در ایران، و ذکر این نکته ظریف که «در حقیقت خط حاصل تکاملِ نقاشیِ صخره‌ها، و دیوارهٔ غارها، و نیز علائم و طرح‌های ابتدایی روی مُهرهای نخستین است»، و بنا بر این بررسی سیر تحولِ مُهرها روشنگر نقاط بسیار مهم در زندگی بشر به ویژه در خصوص مهمترین اختراعِ وی یعنی خط و نوشتار است.

در فصل سوم ابتدا از کاربردِ انگشتی سخن به میان آمده، و سپس نسبتِ مُهر و سکه بیان گشته، و آنگاه از انگشتِ جمشید به عنوان نخستین انگشتِ یاد شده است. آنگاه افسانهٔ انگشتِ حضرت سلیمان با نمونه‌هایی از سروده‌های شعرای فارسی زبان درج شده، و بعد به نقش نگین حضرت موسی(ع) و حضرت عیسی(ع) اشاره رفته است. همچنین به مُهر در کتب مقدس(عهد قدیم و جدید) پرداخته شده، و در ادامه مُهرهای هخامنشی با نمونه‌های تصویری فراوان معرفی گردیده است، که برخی از این نمونه‌ها علاوه بر نقش مُهر شامل تصویر اصل مُهر هم می‌شود. از جمله مُهر استوانه‌ای داریوش و نقش آن- که پشت جلد کتاب را نیز آراسته و به آن صبغۀ میهنی ارجمندی بخشیده است- در صفحهٔ ۶۱ کنار هم نشانده شده است. معرفیِ مُهر در رُم و یونان باستان و اشاره‌ای به مُهر در دورهٔ اشکانیان و ساسانیان و اساطیر ایشان از دیگر مطالب جذاب این فصل است. مؤلف در این فصل خط پهلوی را مادر خطوط ایرانی دانسته است.

فصل چهارم به معرفیِ خط کوفی و خطوط شش‌گانه و نقشِ آن‌ها در مُهرهای دوران اسلامی پرداخته، و به عنوان قدیمی‌ترین مُهر دوران اسلامی مُهر حضرت رسول(ص) را معرفی نموده، و در کنار ذکر منابع و مآخذ، تصویری از مُهر منسوب به آن حضرت را از موزهٔ توپ قاپی سَرایِ ترکیه ارائه نموده است. سایر مطالب این فصل عبارتند از: انگشتِ زرین رسول خدا(ص)، مُهر در کلام‌الله مجید، مُهر در نهج‌البلاغه، نقش خاتمِ خلفای راشدین و ائمهٔ اطهار، مُهر انگشتی احمد بن موسی (شاه چراغ)، تحولِ مُهرسازی در دوران اسلامی، جای انگشتی در میان انگشتان، سجعِ مُهر خلفای اموی و عباسی، سجعِ خاتم‌های امویان اندلس، سجعِ مُهر ایوبیان و مالیک، مُهر رکن‌الدوله از دوران دیالمه و آل بویه، و بالاخره مُهرهای گلی شرق ایران، که همگی این مطالب را تصاویر درخشانی از مُهرهای یاد شده همراهی می‌کند.

در فصل پنجم که مُهر و سیر تکاملیِ خط و خوشنویسی در عصر ایلخانی، تیموری، و صفوی مورد بررسی قرار گرفته است، به کاربردِ خطوط در گچبری‌ها و کاشی‌کاری‌ها پرداخته شده، آنگاه این مطالب ارائه گردیده است: خط تعلیق و علل پیدایش آن در عهد ایلخانی؛ طغرا و طغرا نویسی؛ مُهرهای دوران تیموری و صفوی؛ ویژگیِ مُهرهای دورهٔ صفوی؛ منصبِ مُهرداری؛ خاتمِ بخشی؛ جایگاهِ مُهر در اعتبار بخشی به اسناد و نامه‌های رسمی؛ محل نقشِ مُهر؛ تاریخ‌های مندرج در اسناد؛ رؤیایِ مُهر؛ جلیِ مُهر؛ رسمِ شکستنِ مُهر؛ کیسهٔ مُهر؛ مهجوریِ هنرمندانِ ایرانی؛ و بالاخره ویژگی‌های هنرِ حکاکی و مُهر سازی.

فصل ششم این اثر به معرفی حکاکان بزرگ اختصاص دارد که از «حکاک مرغزی» آغاز می‌شود و به «محمد حسین جدی» استاد بالمنازع این هنر در دوران معاصر و پدر مؤلف اثر حاضر خاتمه می‌یابد. در همین جا باید یاد آور شوم که مؤلف خود نیز از هنرمندان طراز اول حکاکی و انگشترسازی به شمار بوده، و اگر این مایه هنرمندی و موشکافی در خمیره این مرد نبود، هرگز نمی‌توانست حق مطلب را بدین شایستگی ادا کند، و این چنین نگین ارزنده هنر را بر حلقه ظریف پژوهش بنشانند.

فصل هفتم چنان که گذشت به معرفی مهر در میان سلاطین عثمانی اختصاص یافته و پس از توضیحاتی مختصر، تصویر مهرهای ایشان در کتاب منعکس گردیده است.

در فصل هشتم ابزار و نحوه کار حکاکان پیشین و امروزین معرفی شده، و علاوه بر نمایش شیوه کار به حکاکی تیزابی نیز اشارتی رفته، و پیرامون مهر و طلسمات و حروف ابجد و اعداد حکاکی شده، و همچنین گوهرنیشته‌ها توضیحات، جداول و تصاویری ارائه گردیده است.

در فصل نهم، تاریخ هنر سجع‌سازی مهر در فرهنگ و ادبیات فارسی مورد بررسی قرار گرفته، که از بخش‌های شور انگیز این کتاب است. در این فصل ضمن ارائه حکایاتی از ساختن سجع مناسب برای تأمین منظور هر بزرگ، سجع مهر برخی از پادشاهان معرفی شده، و در ادامه سجع مهر کتابخانه برخی سلاطین آمده، و آنگاه سجع مهر بسیاری از رجال و شاهزادگان، و سپس چند نقش مهر از اماکن متبرکه ارائه گردیده است. از جمله نقش مهر آستان مقدس رضوی به خط محمدطاهر حکاک باشی، که علاوه بر زینت بخشیدن به صفحه ۲۶۹ کتاب روی جلد آن را نیز به زیور خویش آراسته، و به قداست خود متبرک نموده است. سجع مهر عده‌ای از علما و هنرمندان، و نیز نمونه‌هایی از مهر صحافان را در ادامه این فصل می‌خوانیم. نمونه‌هایی از سجع‌های متداول و جالب گذشته در مهرها اعم از ادبی و قرآنی، حُسن ختام این فصلی جذاب از کتاب است.

فصل دهم که فصل پایانی است به معانی مختلف واژه مهر و ترکیبات گوناگون آن در فرهنگ و ادب فارسی می‌پردازد، و از جایگاه مهر در فرهنگ ایرانی و میزان استفاده ادیبان از این واژه پرده برمی‌دارد. مؤلف در سخن آخر نیز تازه‌ها و طرفه‌هایی دارد که اگر نمی‌توان همه را آورد از همه آن نیز نباید گذشت. او در پایان و پیش از پیشنهاد تأسیس «موزه مهر» می‌نویسد:

«افتخارات تاریخی ایران نه پیروزی‌ها و استیلاهای نظامی، که تمدن، فرهنگ، و هنر ساکنان این سرزمین کهنسال است. امروز ذخایر عظیم و آثار فراوان علمی و هنری و تاریخی ایرانی در سراسر جهان پراکنده گشته، و زینت بخش مجموعه‌های مختلف و موزه‌های معتبر است. اگر پیروزی‌ها و استیلاهای نظامی از دست رفتنی و قابل انحطاطاند، این افتخارات معنوی جاودانه و همیشگی‌اند. از این رو حفظ و نگهداری و مطالعه و تحقیق در باره این یادگارهای کهن و وظیفه‌ای بس سنگین بر دوش ماست ... و امروزه توجه به آثار تاریخی و هنری نه یک تجمل و تفنن، که ضرورتی تعالی بخش در حیات انسانی به شمار می‌آید.»

و الحق که جدی خود در ادای این وظیفه سنگین کوتاه نیامده و حق مطلب را آن گونه که باید و شاید

ادا نموده است.

اشتمال این اثر بر هزاران تصویر ریز و درشتی که بخش عمده‌ای از نمونه‌های اصلی آن‌ها را خود مؤلف شناسایی و رصد نموده، در کنار یافته‌هایش از دیگر منابع، و توضیح و تحلیل هر تصویر به صورتی قابل فهم برای عموم، و قابل تحسین از سوی خواص، به نوعی که سوالات فراوان این واردی را به پاسخی منطقی می‌رساند، نشان از کنکاشی عاشقانه و نگاهی جستجوگر و کاشف و در عین حال جسور دارد. از آن دست که مَهرِ سکوت بر لب مدعیان بی‌مایه و مهر تحسین بر کارنامه مؤلف می‌نشانند.

همت و حوصله تصویر بردار این کتاب جناب آقای رضا ابراهیمی نژاد که خود از هنری مردان نژاده و کارکشته است نیز به راستی ستودنی و شایسته آفرینی بلند است. او که خود مدت‌هاست در احیای ورزش ایرانی و هنر باستانی «چوگان»^۵ عزم جزم نموده و همت بلند داشته است، از هیچ کوششی در تکمیل تصاویر کتاب حاضر دریغ ننموده، و به گفته مؤلف در هیچ شرایطی از به دوش کشیدن بار مسئولیت تهیه تصاویر واضح و بی نقص برای کتاب شانه خالی نکرده، و آن‌ها را چنان از آب درآورده که تمامی خطوط و نقوش ظریف مورد نظر مؤلف سخت‌گیر با کیفیتی دلچسب منعکس گردیده است.

اما صاحب این قلم را اعتقاد بر آن است که در معرفی شاهکارها نیز چشم از معایب پوشیده نباید داشت، که به قول استاد سخن سعدی «سخنگوی را تا کسی عیب نگیرد سخنش صلاح نپذیرد»^۶. اگرچه در مقابل آنهمه خوبی و رعنائی این اثر، عیب‌جویی چون منی- که انس پیوسته و بایسته‌ای- با مقوله پیچیده مهر نداشته‌ام چندان خودی نمی‌نماید، اما از باب پیشنهاد و این که هیچ اثری را رتبه کمال مطلق نیست، و باید هر اثر را در مقام مقایسه با سایر آثار رتبه‌بندی نمود، نکاتی را معروض می‌دارم. با این توضیح که تا کنون در ایران اثر قابل تأمل دیگری در این باب لباس نشر به خود نپوشیده است.^۷

نخستین اشکال وارد بر این اثر نفیس که می‌توان مخاطبین جهانی برای آن برشمرد، تک زبانه بودن آن است. اشتمال این اثر بر عکس‌ها و آگاهی‌هایی که می‌تواند استفاده از آن را در حد بین‌المللی ارتقاء دهد باعث می‌شود بر نبودن متن و یا زیرنویس چند زبانه در پای تصاویر با انگشت انتقاد نشانه برویم، و امیدوار باشیم که صاحب‌همتانی عین این کتاب مستطاب را به دیگر زبان‌ها ترجمه کنند. این نقیصه جز در مقدمه‌ای کوتاه به زبان انگلیسی در انتهای اثر جبران نشده، و جاداشت حداقل در توضیح برخی تصاویر از یک یا دو زبان دیگر به ویژه عربی و انگلیسی یا ترکیه‌ای- که داعیه‌دار این هنرند^۸- استفاده می‌شد. حال می‌طلبید که جناب جدی از هم اکنون به ویراست دوم این کارستان خویش بیندیشند، تا آنان که پیش و بیش از ما مواریثمان را در موزه‌هایشان جای داده و مصادره به مطلوب کرده‌اند، خوب بدانند چه تاریخی بر این گوهران درخشان گذشته، و این زبان‌های گویا و خاموش از چه افسانه‌هایی روپوش می‌گشایند، و چه حقایقی را فاش می‌گویند.

اشکال قابل طرح دیگر این که بخش تعاریف که معمولاً در آغاز آثاری از این دست جای می‌گیرد، در این اثر به عنوان فصل پایانی ارائه شده؛ البته شاید از این نظر که تعریف امروزین ما از مهر چندان تفاوتی با تعریف کهن ندارد تا حدودی مسئله حل شده و قابل اغماض تلقی شود.

در طرح جلد این کتاب هم که سلیقه سه هنرمند در آن خودنمایی می‌کند^۹ گفتنی‌هایی هست. پشت و روی پوشش جلد با نشانه‌هایی از شب و روز آرامش و روشنی یافته، و نمادهایی دینی و ملی در غالب نقش مهر امام هشتم (ع) - به خط و حکاکی محمد طاهر حکاک‌باشی- و نقش مهر داریوش روی و پشت جلد را به زیبایی آراسته است. عطف کتاب نیز به تصویر یک آویز زرین مهر آذین‌بندی شده است. اما تحسین از خط نستعلیق ممتاز عنوان روی جلد- که کار فاخر آقای حبیب‌الله رمضان‌پور است- و نیز خط بسیار زیبایی مهر گنجینه‌های از یاد رفته هنر ایران در پشت جلد- که خط استاد غلام‌حسین امیرخانی است و توسط مؤلف کتاب حکاکی شده- و آفرین بر خط آرم فرهنگستان هنر اثر استاد محمد احصایی را با تنقید از سایر خطوط نستعلیق استفاده شده در شمارش فصول این کتاب و هم بر طرح جلد کتاب‌های دیگر فرهنگستان^{۱۰} درمی‌آمیزم و از دست‌اندرکاران مربوطه عاجزانه استدعا می‌کنم که نستعلیق- این عروس خطوط عالم- را به مسلخ هرگرافیسیت غیر عالمی نفرستند، و به مخدوش شدن این دست‌اورد لطیف ایرانی-اسلامی به بهای سهولت دسترسی یا ارزانی خطوط رایانه‌ای رضایت ندهند. تنها مروری بر قوانین و قواعد خوشنویسی در خط نستعلیق، یا حداقل نیم‌نگاهی بر جلدهای فاخر نگاشته شده توسط استاد غلام‌حسین امیرخانی کافی بود تا انحراف طراحان جلد در فرهنگستان هنر از معیارهای پذیرفته شده این خط تا این حد چشمگیر نباشد و قلم‌هاشان تا این میزان به وادی خطا نرود.

در همین‌جا تأکید می‌کنم که استفاده از خطوط رایانه‌ای با رعایت دو شرط نه تنها اشکالی ندارد، بلکه بسیار مستحسن و بجاست، و به ترویج این هنر اصیل و فاخر کمک خواهد کرد:

اول وجود یک نرم‌افزار دقیق و قدرتمند بر اساس خطی استوار و معیار؛

دوم استفاده از چنین نرم‌افزاری توسط کاربرانی کاردان و هشیار؛

همانگونه که در کتابت نام مؤلف بر روی جلد کتاب موضوع سخن دیده می‌شود؛ که اگرچه چندان به دل نمی‌نشیند، اما با ذوق سلیم هم ناهماهنگی افراط‌گونه ندارد.

نمونه‌های درخور از چنین حروفچینی چشم‌نوازی چندان زیاد نیست. به عنوان یک الگوی قابل استفاده و استناد می‌توان از کتاب «چشمه خورشید» گزیده‌ای از غزل‌های حافظ با تصحیح متن و انتخاب استاد بهاء‌الدین خرمشاهی، از منشورات انتشارات دوستان نام برد، که با استفاده از نرم‌افزار کلک- که بر اساس خط استاد عباس اخوین طراحی شده- و توسط آقای کاوه اخوین- فرزند هنرسنج استاد- به زیبایی هرچه تمام‌تر حروفچینی یا به تعبیر مصحح فرزانة «حروف‌نگاری» شده است. قدری تمرکز و دقت، و اندکی حوصله و حُسن‌نیت، و میزانی نسبی از وقوف نسبت به ظرایف این هنر شریف، به همراه توکل کافی است تا دیگران نیز از عهده چنین هنرنمایی‌ها برآیند، و گرنه بهتر است کار را بر کاردان بسپارند. به قول حافظ لسان‌الغیب:

فیض روح‌القدس از باز مدد فرماید

دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می‌کرد

نقد نهایی این که به نظر می‌آید نمایه درهم‌کرد یا فرهنگی فراهم آمده برای این اثر می‌توانست مفصل‌تر و با تقسیم‌بندی موضوعی باشد. اسامی افراد، مکان‌ها، موضوعات، آثار، و اشیاء هریک می‌توانست نمایه

مستقلی برای خود داشته باشد.

با دقتی که در جناب جدی سراغ دارم راه یافتن برخی اغلاط چاپی و ناهماهنگی رسم‌المشوق و کامل نبودن برخی اطلاعات کتابشناختی در این اثر را باید نتیجه کم‌دقتی کسانی بدانیم که علی‌رغم حکم وظیفه، تلاششان چندان به پاسداری و صیانت از متن منتج نمی‌شود. و صد البته کار بی‌نقص مختص ذات پاک یزدان یگانه است و بس.

با این سخن به پایان نوشته متمرکز می‌شوم و تأکید می‌کنم که کتاب «حکاکسی و مهر در ایران» را می‌توان به حقیقت دائرةالمعارف مهر و حکاکسی در شرق اسلامی به حساب آورد. دائرةالمعارفی که مدخل‌های آن نه به وسیله گروه پُرشمارای از پژوهندگان، بلکه تنها توسط یکه عاشقی راستین به نگارش آمده است. آرشی که برای صیانت از مرز و میراث خویش تیرش را تا دورها پرتاب نموده، و اکنون آرامشی را تجربه می‌کند که هر سرباز سرفراز و بینادلی را آرزوی آن است. ای کاش هریک از ما را نیز در وادی خویش چنین سعادت حاصل آید.

کتاب «حکاکسی و مهر در ایران» را می‌بندم و در پشت جلد به نقش مهر استوانه‌ای داریوش چشم می‌دوزم، و به استواری فرهنگ و تمدن ایران طی هزاران سال می‌اندیشم. فرهنگی که با آمیزه اسلام عزیز شکوفایی درخشانی یافت، و امروز بر ماست که قدر این «حلقه میهن» و «نگین دین» را بدانیم، به داشتن آن‌ها بر خویش ببالیم، و سرفرازی امروز و فردای خود را مهر و امضا کنیم.

وقتی همه اهل هنر بنده اویند
درحلقه انصاف بدان قدر نگین را^{۱۱}

پی‌نوشت‌ها

- ۱ - بیت هشتم از بند سوم هفت‌بند مولی حسن کاشی در نعت مولی‌الموحیدین علی (ع)، که خود شاهکاری است در مدح شاه ولایت.
- ۲ - اشارتی است بر سرقت‌های ادبی که تا کنون از مقالات این فرهیخته به عمل آمده، و در یک‌جا صفحه‌ای از مقاله او مشمل بر تصاویر مهرها را در صفحات یک کتابچه گسترانده و آنگاه با بی‌دقتی و به طرز مضحکی مثلاً خوانده‌اند، و این کار را از جنس عشق نامیده‌اند، و در جای دیگر عین نوشته او را - که برای هر واژه‌اش عرقریزان روح صورت گرفته بی‌کم و کاست به عنوان مصاحبه در دل روزنامه نشانده، و از عراق عجم فریاد انا رجل سرداده‌اند.
- ۳ - ص ۱۱ کتاب «مهر و حکاکسی در ایران»
- ۴ - در حقیقت سرسکه نوعی مهر، و سکه خود نقش مهر سلطان و حکومت بر زر و سیم یا فلز دیگر است.
- ۵ - قابل توجه علاقمندان ورزش‌های پرطرفدار نوین همچون فوتبال، هندبال، و واترپلو - که از توپ و دروازه در آن‌ها بهره برده می‌شود: چوگان که خواستگاهی ایرانی و سابقه‌ای چند هزار

ساله دارد و امروزه به عنوان یکی از ورزش‌های مهم در بسیاری از کشورهای جهان مورد استقبال قرار گرفته است، نخستین ورزش جهان است که در آن از دروازه و توپ استفاده شده، و جالب این که مولانا جلال‌الدین بلخی نیز نخستین کسی است که در مصرع: «چون گوی شو بی دست و پا، چوگان او پایت شود» استفاده از پا به جای چوگان را در زدن گوی پیشنهاد داده، که حاصل کار همان فوتبال امروزی از آب در می‌آید.

۶- از گلستان سعدی.

۷- به زودی نخستین اثر مستقل و قابل اعتنا در باب مهرکنی یا همان حکاکی با نام «کنز الاکتساب» اثر رحمتی بن عطاءالله مربوط به قرن یازدهم هجری قمری با تصحیح دکتر عارف نوشاهی از سوی کتابخانه مجلس روانه بازار خواهد شد.

۸- نگاه کنید به نقل مطالبی از کتاب «مهرهای عثمانی» چاپ استانبول که در صفحه ۹۱ کتاب مورد گفتگو مندرج است و در آن هنرمندان بی‌نظیر ایرانی را به بی‌ذوقی متهم کرده است.

۹- علاوه بر مؤلف و آقایان رضا ابراهیمی نژاد که تصویر برداری منابع فراوان این کتاب را نیز به صورت افتخاری سامان دادند، و کیانوش معتقدی که بر این جلد زرین زرافشانی کردند.

۱۰- نگاه کنید به طرح جلد «مجموعه مقالات خوشنویسی گردهمایی مکتب اصفهان» و دیگر مجموعه‌های مقالات که با بی‌سلیفگی هرچه تمام‌تر سرشار از تکرار ملال‌آور واژه زشت «لات لات» شده، و نیز ترکیب غریب و نامأنوس حروف و کلمات به خط نستعلیق در دیگر منشورات این نهاد فرهنگ‌مدار و هنرپیشه: دیوان امین‌الدین بلیانی، دستورالکاتب، گزیده غزایات حافظ، هنر و معماری اسلامی، نسیم طرب، صور خیال، مکتب نگارگری اصفهان، هنر و معماری صفویه، مطالعات صفوی، تعامل ادبیات و هنر در مکتب اصفهان، شاه عباس و هنرهای اصفهان، اردبیل و بقعه شیخ صفی، گزیده آثار استاد اصغر شعرفاف، رضا عباسی اصلاح‌گر سرکش، شرح ادوار صفی‌الدین اردبیلی، و مروری بر نگارگری ایرانی. نمی‌دانم تکلیف ما پس از دیدن این ستم بر خط بی‌مانند نستعلیق خندیدن است یا گریستن.

۱۱- مقطع قصیده نگارنده که در تشویق هنرمند خردسال «نگین ذاکرزاده» سروده شده است.